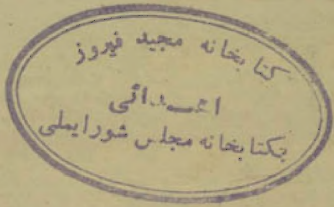


کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی



۲۰۱۱

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: نصیح الملوك فی السیر والسنن	
مؤلف: خطبه ناصرالدوله فیروز	
موضوع:	خطبه
شماره اختصاصی:	۳۴
تیمار سرانگ:	مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب:	۴۴۳۹۸
	۵۱۹۲

خطی اهدائی	کتابخانه
مجلس شورای اسلامی	
۳۴	

کتابخانه مجید فیروز
اسناداتی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۲۰۱۱

۸ ۱ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: نصیح الملوك فی السیر والسنن

مؤلف: نجف محمدالدوله تبریزی

موضوع: (خطی) (از کتب) (۳۴)

شماره اختصاصی: (۳۴)

تیمار سرانگه: مجید فیروز (کتابخانه مجلس شورای ملی)

شماره ثبت کتاب: ۴۳۳۹۸

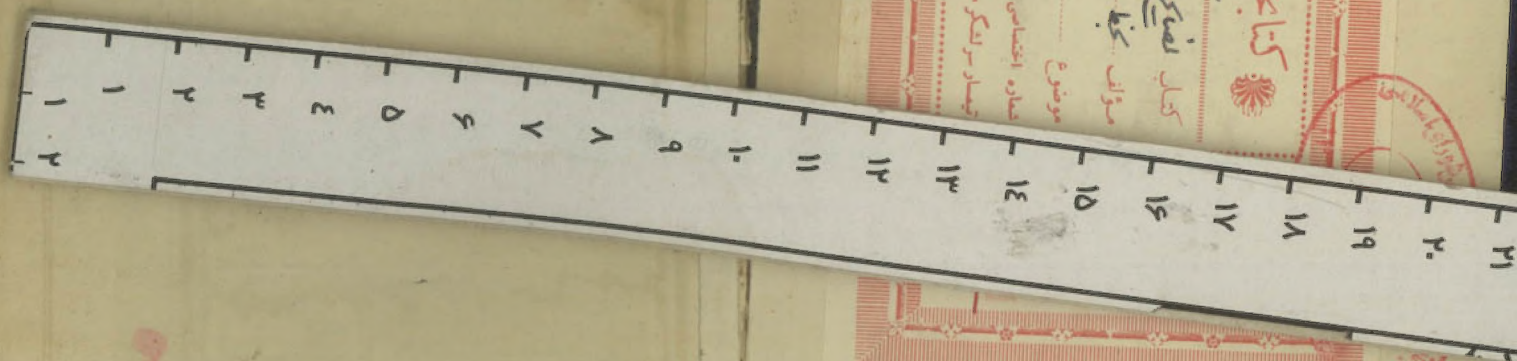
۵۱۹۲



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی اسناداتی
۳۴	

کتابخانه مجید فیروز
احمدآبادی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۲۰۱۱



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: **نصیح الملوک فی السیر والسنن**

مؤلف: **محمد ناصرالدین فیروز**

موضوع: **عقلم**

تعداد صفحات: **۳۴**

تعداد کتب: **۱**

تعداد کتب در دسترس: **۱**

تاریخ ثبت: **۱۳۴۴**

تاریخ ثبت در کتابخانه: **۱۳۴۴**

تاریخ ثبت در کتابخانه: **۱۳۴۴**

خطی احمدآبادی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۳۴

شکست
غیر تو چند

نیت دشمنی خویشان رشت همپان خواست خیر
و چیرا فراموش نباید کرد خدا و مرک را و چیرا از یاد
اقل نیکویی نمودن یکسان و دیم بدی دیدن از نیکان
فرمود اگر ترا چار خیر باشد کستی بر خوداری اول
راست سکونی در پست کرداری و دیم پایداری در دوستی
تیم پاکدامنی چهارم نامی از دست نبرد خود فرام آوری با
دوستان اتفاق نهائی همورث میفرماید که پادشاه صفا
باید درگاه خشم و غضب آن نماند که رقت ضایع آن تمام
تواند نمود اینج میفرماید از مردمان کستی در شکست که اول

(از نوشته)

کسی
دینا و روزگار

کنار کردن
و جنت بخشن
الفاق
مخبرین

شکست
عجب و حیرت

نکار
قطع

سج
تن آن
است

از انداخته دانند و برین یاریت آسایش آید بسیار
دانند و دانند کست بزرگواری از مردمان چشم دارند
و دین کوکایست شد رستی از تن آسایش دانند و از بدن
پسخی دنیا و مردبار است منوچهر میفرماید پادشاه را بر رعایا
حقوقت در رعایا و سپاه بر پادشاه حقت با حق
پادشاه بر سپاه است که ویرا اطاعت نمایند و با دشمن
ملک محاربه نمایند و حق سپاه بر پادشاه است که غلبه
ایش را بدوند تا خیر برساند و حق پادشاه بر رعیت
که نفس مال از او دریغ ندارند و حسن راج پادشاه را بطوع
در غایت طوع

طوع
و غایت

اوانما نید و سرمان و اگر گردن نهند و حق رعیت پادشاه
است که با ایشان دگند و مال و حبسی از آنها برقی بستانند
و باید که عفو و غناض بر مراج پادشاه غالب باشد و عفو بکتر
فرماید و اگر کسی را با حق کشته باشند باید پادشاه خود را
قتل او شده بفرستد و مقتول سپار و ایشان بطریق شرع بیاورد
و رفتار نمایند و نوز میفرماید کسی اگرین چهار خوبی باشد دوستی را
نماید اول آنکه بدی و تو بسیند و تر از آن بازند و دوم
آنکه نمری از تو بسیند و داده چند آن نماید نیم اگر نبوی
او را بنحاط دارد و از چون از تو بودی بسیند از او خوش کنند

و اگر داند
عداوت

تکثیر
کشتن

نزد
حی
عادت

سود
نفع و فایده

چهارم

چهارم هرگاه کنایه انگ از تو بسیند بر تو کیرد و غدر زیند
نمایان کعبه از سخنان و پست که میفرماید از دوستی که
نوبودی نرسد از دشمنی تو نیز زبان نخواهد رسیده و میفرماید
بنای هر پادشاه باندازه همت و بزرگی او پست گویند و بگویند
که رعایای ما از زبان پسر از اطاعت او باز زده بود و حکم
صورت و اقامه را بعضی رسانید و در این باب از این
کعبه و استعلام نمود شهر با فاق فرمان داد که تو بسیند
از پال دارند مشعل و عید و تهجد و نیکی است او را و درج نمایند
که باید رعیت در معرفت حاجت پسر در و صاحب خود کسر افروخت

انگ
کرم

زبان
ضر

حکم
حکم کننده

رای
عقل و تدبیر

کلک
سخن دانا

بجوین

دکین نعل نباشد که همیشه ایشان یکی را از خویشان بر خود بپوشد
 سازند و نه مان او را کردند و میباید آفتاب بود چنان
 نمایند در آماده کردن نوشته و خطم امور مردمان و قوت میباشند
 ایشان منوط و مربوط است بعدل پادشاه و بر رعایت راجع است
 حاکم زیرا که خدایتش را بیامند که همت ایشان بکتاب است
 و از خوار بختیج معصوم باشد و حجت ایشان بر تحصیل لذت و متع
 موقوف بود و پادشاه شاید رحمت پروردگار است بر ایشان
 که تشنگان بادیه حرمان و کرم از دکان تنج مشقت از راه است
 عدل و شرب زلال فضل او شراب نوال حشید پرگاه عاز

راعی
پرست

کخط
نخانی
میکش
چشمه
نوال
عطا
جود

(وفا)

کدر
چاره

پیشانی
برقیب

سخت
نشان

مخبر
کخط

مخبر
خطا

مکاد
جمع ماده

و عامه نام را از پادشاهی قادر و سلطان عادل گرفتند
 تا پناح اعمال و انعام اشغال ایشان بر پسن استقامت
 و حمت عدل مطرز باشد که یکا و پس میفرماید بهترین چیزها
 صحت است و بالاتر از آن آسایش کشور و کوارتر از آن
 نوآوری دولت و از ترجوانی و عزیز تر از آن نیست
 لهرایب میفرماید پادشاه باید در تأدیب مجربان و تعدب
 خطیان پادشاه اعمال ناپسند ایشان مانند طبیب حاذق
 باشد که چون از جرح و علیل را مداوا کند آنرا قطع و جرح نماید
 تا از مواد فاسد پاک شود بعد استیام نماید یعنی پادشاه

بکر کوش
ناخدا

شایسته
لایق و پسر او

صیحت
آورد

پنج

پنج

صاحبان خود

بر کوشان دست یابد ایشان را بزار و پس آن
 نوازش نماید آهسته یا مینماید آنکه دین نماند بهرگاه
 در نظر بصیرت هر دو میماند و شایسته مات باشد آنرا
 که دین نباشد و میفرماید که روانست پادشاه را که چو
 بر دزدیک ملوک بگرچن سیرت و پادشاه باید از دزد بر
 نام نیک و بی نماید تاهیت عدل در آفاق منتشر
 و میفرماید فضل پادشاه بر زبردست آنست که اوقاد بر
 و احسان میسر نمودن یعنی پادشاه همایون ای که میخواست
 قنات بشناسد و صدق عایت در ترتیب اولوالعقاب

(مصرف)

اکرام
عزت

احسان
چنین

محمود
عادت

مردود
ترتیب

پستایش
مستحق

محمود
حکمت

مصرف و دارد چو ایشان قدر اکرام شناسند
 احسان که دارند چنانچه آثار آن از حاشیه در کار میخورد
 و هم او سروده هر که بنام فرقیه شود بنیان در ماند فرکه
 بنان خیانت نماید بجان در ماند بهمن مینماید بگویند
 دادست و خود پیری زیان اندیشا باشد و سروده بر
 آنست که ماندن نام نیک به پستایش ربانی برگزید و دل
 کسی است که پستایش ربانی را از نام جاوید برتر و ابر
 میفرماید هر حادثه که روی نماید از مصرف مال دفع نماند
 مگر حرب که در آن از پسر جان شیرین باید که شست یکی از کف

که مرد و شجاع باید صاحب تدبیر باشد چه اگر اعتماد کلی بر تو
 و شجاعت نماید باشد که هر جسی بنید که است بام تیر
 شاه این مطلب کلام منجر نظام حضرت امام تمام امید الله تعالی
 امیر المؤمنین علیه السلام است که در روز جنگ با عمرو بن
 فرموده که اگر بخدمت داراب میفرماید هر که در دوستی ترا
 پناش نماید بجزی که در تو نیست دوم دشمنی بزرگوار
 نباشد و میفرماید هرگاه اندوی بشمار پداندوی بزرگتر از
 از بساد آید ناکند رنج شاکم کرد و میفرماید بگو تران خود
 پادشاه را پیشگوی می باشد که بیم دشمن امید و پند

است بام
 با صبح او در
 از او

عنه و
 بنده
 بنده

نیز

و میفرماید

و میفرماید جو دنا خواسته داد نیست چوپن از خواست پند
 خواش باشد پامایان اردشیر میفرماید پادشاهی توان
 مکر با سپاه و سپاه کرد باید مکر بزرگ و سپیم اند و خسته
 مکر بزرگ پست پروری زیر پست را نگاه خوان داشت
 مکر بعدل و میفرماید پادشاه باید چهار خوی باشد
 اول پسندیده فطرت دوم بزرگ نشی چشم خشم بردا
 چهارم مهربانی بر یگان هم میفرماید هر که را چهار خوی
 پندار سپرداری سپاه نباشد اول دوا نشی
 چنانکه در آغاز انجام را پسند دوم چندان دوا نشی

کرد
 جمع

فطرت
 خلقت و پند
 نیک
 خوب

سه
 آغاز انجام
 اول آخر

[illegible]

کرم
حامی

۱۰۰

آئینه و روزن داپت از گردش کارها دستخست شود اگر
خواهی را تو دشمن نه اندیش دوست مگو و مین باید بیشتر اوقا
بخش بر خواهش همان کونی همه لهاسای تو باشد و غیره
انکه از دنیا با کمی اندوه کوارا ترست از بیماری محنت
و صواب چنان نمود تمام شد کتاب نصاب الملوک کاتبه
محمد بن حمید فی غره رجب

۱۳۱۹ هجری

مم مم مم

15

کتابخانه مجید فیروز
اصدائی
بکتابخانه مجلس شورای اسلامی

4 Chamber-Socket
 Cotton-Machine
 20
 1319 made
 1319 made

خطی اهدا